

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه - کابل

۲۴ اپریل ۲۰۲۰



## غذا و فرهنگ

حدود سی سال قبل در یک شب خزانی، مهمانی در قریه ما برگزار شده بود و من در آن آبگیر بودم (آب نوشیدنی برای مهمانان می‌ریختم). غذا شبیه مهمانی‌های معمول آن زمان در قریه ما، شوربا بود. غذای دهقان و قریه‌دار و ارباب و ملا در یک دیگ پخته شده بود و آنان دور یک دسترخوان نان می‌خوردند. همه، سه نفری تقسیم شده در کاسه مشترک شوربا، نان خشک را خرد کرده بدون قاشق و پنجه می‌خوردند. کنار هر کاسه یک بشقاب گوشت و یک بشقاب کینو مانده بودند (من اولین بار کینو را در آن مهمانی خوردم و به خاطر طعم کینو آن مهمانی در ذهنم ماندگار شد). آن مهمانی ساده و خودمانی سی سال قبل قریه، وقتی حالا در موردش فکر می‌کنم، مثل مهمانی‌های مجل امروز از نظر فرهنگی پیچیده و پر از نماد بود. ارباب و ملا در صدر مجلس نشسته بودند و دیگران به ترتیب مقام اجتماعی‌شان به سمت دروازه جا گرفته بودند. ملا و ارباب نیز در کاسه سه نفری نان می‌خوردند، اما کنار کاسه شان غیر از قاب گوشت معمول یک پتنوس کلان هم گذاشته بودند که داخل آن سر گوسفند بود.

ملا و ارباب چون فعالیت فیزیکی کمتر داشتند، غذای کمتر می‌خوردند و قسمت زیاد سر گوسفند را نیز به کاسه‌های دیگر می‌دادند. تنها مقدار کالری که هر فرد از آن دسترخوان می‌گرفتند مهم نبود، چگونگی گرفتن کالری و فرهنگ غذا خوری نیز به اندازه کالری مهم بود. این که ملا / ارباب بالا بنشیند و دهقان پائین، ملا / ارباب سر گوسفند را داشته باشد و دهقان از دست ملا / ارباب "کمک" غذائی دریافت کند، به اندازه کالری غذا مهم بود.

\*\*\*\*

چند سال قبل در یک پروژه یواس‌اید تعدادی از نخبگان تحصیل‌یافته افغان و چند متخصص خارجی بعد از یک ورکشاپ در بخش تعلیم و تربیه به سالون غذاخوری رفتند. نان را هونل قراردادی از بیرون آورده بود و بسیار پرتنوع،



به کارمندان و مریضان به یک چشم نمی‌بیند و جایگاه اجتماعی و فرهنگی آنان را "محفوظ" داشته است. برای حفظ این جایگاه دو قلم خوراکی (سلاد افغانی و تخم مرغ) به مینوی کارمندان افزوده شده است که غیر از فرهنگ، هیچ توجهی صحتی و غذایی ندارد. آیا مریضان به تخم مرغ و سلاد نیاز ندارند؟ آیا بدن پرسونل شفاخانه نسبت به مریضان به مراقبت بیشتر نیاز دارد؟ آیا بودجه وزارت صحت عامه تحمل افزودن یک دانه تخم و چند برگ سلاد برای مریضان را ندارد؟ فکر نمی‌کنم هنگام تهیه یا تأیید آن جدول کارمندان و مقامات وزارت به این چیزها فکر کرده باشند. ضمناً تفاوت قیمت نیز سرخی می‌دهد که حدس بزنیم غذای کارمندان و مریضان احتمالاً در یک دیگ پخته نمی‌شوند و قابل‌ازبکی که مریضان دریافت می‌کنند از نظر کیفیت همان نیست که به پرسونل داده می‌شود. در جدول کارمندان پانزده قلم (شامل آب و ظرف) و در جدول مریضان ۱۳ قلم مواد گنجانده شده است. تفاوت دو قلم خوراکی (یک عدد تخم مرغ و یک قاب سلاد افغانی که هر دو شاید بیش از ۲۰ افغانی نیارزد) قیمت مینوی کارمندان را ۵۰ درصد نسبت به مینوی مریضان بالا برده است. اگر پشت این تفاوت قیمت کدام چال پروژه‌ای و جیبی نباشد، حتماً حکایت از تفاوت کیفیت قورمه و قابل‌مریضان و کارمندان دارد.

غذا، در سفره‌های مهمانی و اداری کمی خوراک ولی بسیار سیاست و فرهنگ است.